

آسیب شناسی
زوائد
فقه و اصول

عالم و مرجع عالیقدر، **حضرت آیت ا... العظمی امام خمینی(ره)** بی شک از پیشگامان پالایش اصول فقه از زوائد است. ایشان در آثار اصولی خود به این مهم می پردازند و به مناسبتهای گوناگون به طور جدی از آن انتقاد می کنند. در ادامه به بررسی دیدگاههای ایشان در این زمینه می پردازیم.

ایشان در کتاب *اجتهاد و تقلید* آنجا که به ضرورت علم اصول می پردازند، از ضرورت هرس کردن آن نیز غفلت نمی کنند:

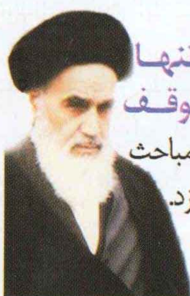
«از مقدمات مهم اجتهاد، علم به مسائل ضروری اصول فقه است یعنی چیزهایی که در فهم احکام شرعی دخالت دارند؛ اما **مسائلی که ثمره ای ندارند و یا اینکه ثمره آنها به دقت های کذایی و طول و تفصیل های متداول نیاز دارد، اولی ترک تعرض به آنهاست** یا دست کم، کاستن از دامنه بحث های کم ثمر و پرداختن به امور مهم تر و پر ثمرتر.»[1]

ایشان در کتاب *الرسائل* نیز در تبیین افراط علمای اخباری در انکار اصول، علمای اصول را نیز بی نصیب نگذاشته، از زیاده روی ایشان در اصول و پرداختن به مسائل بی ثمر گلایه می نمایند:

«انصاف این است که انکار اصول توسط اخباریان افراط و زیاده روی است. کما این‌که **کثرت اشتغال برخی از اصولیان و نگاه استقلالی به آن و توهّم این‌که اصول علم مستقلی است که تحصیل آن کمال نفس است** و همین طور صرف عمر در مباحثی که حل مسائل فقهی نیازی به آن ندارد، تفریطی از جانب اصولیان است. عذر آوردن به این که اشتغال به آن مباحث(بی ثمر) موجب تقویت ذهن و انس به دقائق فن می گردد، عذر موجهی نیست! پس انسان خردمندی که ارزش نقد عمرش را می داند، بی تردید نباید عمر خود را در امور بی فایده صرف کند. بلکه باید در اموری که در دنیا یا آخرتش محتاج آن است، هزینه نماید و آن چیزی نیست جز علم فقه که قانون زندگی مادی و معنوی و راه وصل به قرب رب الارباب بعد از علم به معارف است.

---

۱. الاجتهاد و التقلید، ص۱۲-۱۰



پس طالب علـــم و سعـادت **ناچار بایـد تنهـا به اندازه ای کـه استنباط بـه آن متوقـف است، به اصول بپردازد** و از تعرض به مباحث زائد بپرهیزد و عمـرش را در فقه سپری سـازد. به ویژه در مسائلی که در طول شبانه روز به آن نیاز دارد.»[۲]

البته امام(ره) این گلایه را در کتاب *اجتهاد* و *تقلید* نیز تکرار می کنند. آیت الله سبحانی(حفظه الله) در تقریرات خود از ایشان نقل می کند که:

«تنها باید به مباحثی از اصول اکتفاء شود که مقدمه واقعی(و نه فرضی) برای استنباط است؛ به گونه ای که اگر نباشد نظام فقه از هم بپاشد و مهره هایش از هم بگسلد. اما چیزی که در واقعیت فقه دخالت ندارد، پرداختن به آن اتلاف عمر و انحراف از هدف است. **اگر ترس آن نبود که بحث به درازا بکشد، مسائلی را می شمردم که علمای اصول از قدیم و جدید بحث های مفصلی را در اطراف آنها شکل داده اند، در حالی که استنباط حکم شرعی بر هیچ یک از آنها متوقف نیست.** بنابراین کسی که طالب سعادت ربانیه است، ناگزیر باید به اصول به عنوان طریقیت و مقدمیت نگاه کند و در هیچ مساله ای غور نکند مگر اینکه در فروع فقه به کار آید و به اصول به عنوان علم مستقل از فقه ننگرد و این طور خیال نکند که بررسی مسائل اصول، خرد و کلانش، فی حد نفسه کمال نفس است و موجب صفای ذهن و قوت آن می گردد!! همچنان که بسیار بر زبان ها جاری است! حتی این احتمال می رود که از جمله عوامل طعن و روی گردانی اخباریان از اصول همین تطویلات بی ثمر باشد!»[۳]

ایشان در کتاب *مناهج الوصول إلی علم الأصول* با تاکید بر اینکه ملاک اصولی بودن مسأله این است که در طریق استنباط حکم شرعی باشد، نتیجه می گیرد که برخی مسائل اصَولی واجد این ویژگی نیستند:

---

۲. الرسائل، ج۲، ص۹۷

۳. تهذیب الأصول، ج۳، ص۵۷۰ –۵۷۲

«متاخرین از علمای اصول، برخی از مسائلی را که یا هیچ ثمری ندارند و یا بسیار کم ثمرند وارد اصول کردند، **تنها به خاطر کمترین مناسبت!** با توجیه تقویت ذهن طلاب یا آثار علمی و یا دخالت بعیده ای در استنباط!»[۴] روی این حساب، ایشان با وجود اینکه از فلاسفه بنام است، از وارد ساختن مسائل کلامی و فلسفی و خلط مسائل و حتی روش‌ها اجتناب می نماید و مثلا بحث از اراده و طلب را به کلی از اصول، حذف و مستقل بحث می کند.

«وقتی که بحث ما به مسأله طلب و اراده رسید که در واقع به جبر و تفویض مربوط می شود، خواستیم آن را به اهلش و در محلش واگذار کنیم... اما اصرار برخی از علاقه مندان مرا وادار ساخت تا در رساله ای مستقل به آن بپردازم.»[۵]

از اینجاست که حضرت امام(ره) دقتهای غیر لازم میرزای نائینی(ره) را بر نمی تابد و در اعتراض به مقرر دروس ایشان که از این دقت های بی ثمر تعریف و تمجید می کند، می نویسد:

«تعجبم از فاضل مقرر مباحث بعضی از اعاظم عصر(رحمهما ا...) تمام شدنی نیست! چرا که او در تشکر از زحمات استادش در دقائقی که آنها را "تقصر عنها الأفهام" می پندارد، مبالغه می کند. واقعا شگفت زده ام! زیرا این دقائقی که ایشان گمان کرده کار فوق العاده ای است، (با غضّ نظر از اشکالات علمی که دارد) هیچ سودی ندارد!

زیرا اساس انسداد باطل است. بله، باید از زحمات این محقق(مرحوم میرزای نائینی) و دیگر اعاظم دین تشکر کرد، اما نه از زحماتی که برای این بحث کشیده اند که نه علمی اضافه می کند و نه بر عملی می افزاید! تعرض به این مباحث با عرض وطولی که دارند و ثمره ا ی که ندارند،(اگر نبود اینکه نیت ایشان تقویت ذهن طلاب بوده است)



استغفار از این تلاش ها برای کسی که متعرض این بحث های بی ثمر شده، أولی از تشکر است. مانند بسیاری ازمباحث بی ِثمری که در اصول از آنها بحث می شود!![۶]

۴. مناهج الوصول، ج ۱، ص ۵۱
۵. الطلب و الاراده، ص ۱۱
۶. انوار الهدایه، ج۱، ص۳۴۹

ایشان در آغاز بحث از فرق انسداد صغیر و کبیر و در ادامه بحث از خبر واحد در کتاب *انوار الهدایه*، متعرض زوائد اصول شده، این طور می نویسد:

«من در این دوره از تدریس، از أدله عقلیه مطلقا اجتناب کردم. زیرا با وجود طول بحث، بسیار کم ثمر است! از طلاب و علمای اصول(أیدهم الله) انتظار می رود که در عمر شریف خویش گشاده دستی نکنند و آنچه را که فایده فقهی ندارد، کنار بگذارند و همت بلندشان را صرف مسائل مفید و منتج نمایند.»

ایشان از فوائد علمی دفع دخل کرده و اضافه می کند:

«کسی خیال نکند که آن مباحث گرچه فایده عملی ندارند، اما ثمره علمی دارند! چرا که این خیال، فاسد است!! روشن است که اصول، علمی آلی برای استنباط فقهی است. وقتی که این ثمره را نداشته باشد، پس چه فایده علمی دیگری دارد؟! علم، آن چیزی است که حقیقتی از حقایق دین یا دنیا را برایت روشن سازد وگرنه اشتغال به آن مصداق" اشتغال بما لا یعنیه" است.»[۷]

یکی از شاگردان امام(ره) در این رابطه خاطره زیبایی را نقل می کند:

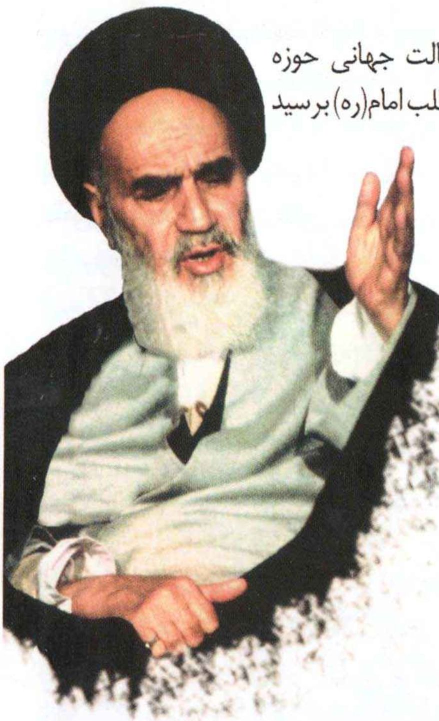
«ایشان زمانی فرمود:" اصول زیاد شده. باید قدری جمعش کنیم." یکی از دوستانمان که اکنون از علمای حوزه است، عصر همان روز خدمت ایشان رفت و گفت: نجفی‌ها شما را واعظ می‌دانند و ما را روضه خوان! اگر بخواهید اصول را از این هم کمتر کنید، چیزی باقی نمی‌ماند. ایشان فردای آن روز سر درس گفتند: "منظور من این بود که مباحث اصولی از این بیشتر نشود!"»[۸]

---

۷. همان، ج۱، ص۳۱۷

۸. جایگاه شناسی علم اصول،ص۱۸۰

همه اینها را با رسالت جهانی حوزه بسنجید تا به این مطلب امام(ره) برسید که فریاد می زند:



**«آیا این حـوزه ها را مـی‌خواهـیم که فقـط از ترتّـب بحـث کند؟
حوزه‌های علمیه باید زنده باشد و در برابر دشمنان اسلام چون کوه محکم بایستد و بخروشد.»**

صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۵۹



موسسه فقاهت و تمدن سازی اسلامی

تلفن: ۰۲۵۳۸۸۱۸۸۰۲

تارنما: www.feghahat.com

تلگرام: @feghahat